

زلزله

تعداد کشتگان زلزله خراسان تا امروز به بیست هزار نفر تخمین زده میشود. هزاران نفر دیگر نیز در کورستان و سیستان که اینک از تربت حیدریه تا آستوی بهرچند گسترده شده است در انتظار مرگاند.

البته بلایای طبیعی خاصه ملک ما نیست. ولی این همه بسی خانمانی و اینهمه مرگ و میر از کسرتکی و بیدوایی و بی پشتکی خاصه مالکی نظیر رژیم محمد رضاشاه بسر میرند. اگر میلیونها خانواده در هفتان ایرانی بهرهای از خانه و آشیانه جز چاردریژ کلین نداشتند، اگر کلبه بی بنیاد آنها نه فقط در برابر زلزله بلکه در برابر باد و باران نیز تاب هیچ ایستادگی نداشتند، اگر آنان که زیر آوار ماندند باید زنده بگوشند، اگر آنهاستیکه از مرگ ناگهانی رهایی یافتهاند بمرگ از کسرتکی و بیدوایی و بی پشتکی گرفتار میایند، اگر آینده با زماندگان تیرهتر از طلعت مردگان است، این دیگر بلیه طبیعی نیست بلیه اجتماعی است. بلیه ایست که آورده ماش رژیم محمد رضاشاه است. زلزله امری عارضی است، هر چند سال یکبار است ولی زلزله خانمان برافکن رژیم محمد رضاشاه امری روزانه است، تعداد شهیدان این رژیم از شمار بیرون است. نسل معاصر ایران وقتی که رقم بیست هزار کشته زلزله خراسان میشود بی اختیار بیاد رقم بیست هزار دیگری افتد که در تاریخ اخیر ایران با خط سوخ نوشته شده است. این رقم یادگار سال ۱۳۳۵ سال قبل عام مردم دلیر آذربایجان است. آنروز آنکه زلزله در آذربایجان افتد، آنکه خانه دهقان آن رها بچانی را بر سر جی خراب کرده آنکه بهترین فرزندان خلق را بخون کشید طبیعت نبود رژیم محمد رضاشاه بود. اینک او که کشتی شورت و جلال و شوکت و عشرت بر در زای خون روان است و قتل عام بیست هزار آذربایجانی را روز جشن ارتش اعلام کرده است بمناصب زلزله خراسان قیافه عزا بخود میکوبد و بزبان دروغ پرورد دستگاه تبلیغاتش مدعی میشود که کربلا ملکه اش برای زلزلهزدگان خراسان خون داده است! اعتقاد او به روشهای بزرگ همانقدر محکم است که بی اعتقادی او بغرارت و درایت مردم ایران.

هموطنان عزیز!

چهره ضد ملی و یوسیدگی و نا توانی درونی رژیم محمد رضاشاه را در حادثه زلزله بهتر میتوان دید. این رژیم فقط آنقدر نیرو دارد که زبان برساند. اگر قرار بود آتش بر سر مردم خراسان ببارند، اگر قرار بود فرمان کشتار مردم خراسان را اجرا کنند (همانکاری که اکنون در کردستان و فارس در پیش دارند) نه کبود وسیله و اسلحه داشتند و نه کبود قنات و شقاوت نژاد ولی کبر و کبر که باید مردم زلزله زده های نان، پتو، کربو و پزنت برساند از جاسوس و جاسوسان و اشری جز عوام فریبی نداشتند. آنها همین مصیبت هموطنان ما را نمیتوان فرصتی برای دزدی و اخاذی و اختلاس و غارتگری غنیمت شمردند، چه کسی که از محل اعانه بزلزله زدگان برای خود انباشتند و چه فصرها که در سایه بی خانمانی مردم خراسان برای خود پی بریزی کردند. فساد دستگاه محمد رضاشاهی را جز با فحاشی آن نمیتوان چارمکند.

بقیه در صفحه ۳

پیروزی بزرگ جمهوری توده های چین

انقلاب انکیر خلق چین که در زیر رهبری حزب کمونیست چین و رفیق مائوتسه دون بیروزی انجامید از درخشانترین صفحات تاریخ بشریت است. اگر انقلاب کبیر سوسیالیستی انکیر در روزهای دوران نوری در تاریخ بشریت بشود و فصل انقلابات پرولتاریاتی را آغاز کرد، انقلاب انکیر خلق چین که به تاسیس جمهوری توده های چین انجامید در سرنوشت سوسیالیسم در مقیاس جهانی دارای اهمیت طبیعی است. لنین بر آن بود که فرجام مبارزه بخاطر سوسیالیسم وابسته به آنست که روسیه چین و هند، سه کشوری که اکثریت سکنه جهان را در بر میگیرند در راه سوسیالیسم گام گذارند. انقلاب کبیر سوسیالیستی انکیر نظام سوسیالیستی را در شوروی مستقر ساخت، انقلاب انکیر خلق چین باند شعلین در چین حقیق بخشید و هفتصد میلیون از جمعیت کره ارض را از یوغ امپریالیسم و ارتجاع نجات داد و برای سوسیالیسم کشید. اهمیت انقلاب انکیر خلق کبیر چین بازم بیشتر چشم می خورد اگر توجه کنیم که درست در موقعیکه پایگاه انقلاب پرولتاریاتی جهانی از مرکز اروپا تا اقیانوس آرام ادامه داشت، دارای نیروی مادی و معنوی شگرفی بود و برای طبقه کارگر و خلق های اسیر و ستم دیده جهان در مبارزشان بخاطر رهایی آزاد استعمار و استثمار پشیمان نیروی بی شمار میآید. خورشید و یارانشر راه حیات به انقلاب و احیای سرمایه داری را در چین گرفتند و قدمی از کشورهای سوسیالیستی را نیز باین راه گشایدند. اساسا جمهوری توده ای چین همراه با جمهوری توده ای آلبانی بطور پیگیر در مواضع مستحکم مارکسیسم - لنینیسم باقی مانده است. سوسیالیسم را حفظ و حراست کرد و نقش پایگاه انقلاب پرولتاریاتی جهانی را بر عهده گرفت.

پیروزی انقلاب انکیر و استقرار نظام سوسیالیستی در چین بین امکان را پدید آورد که کمیسوری عقب مانده در مدتی کوتاه با آهنگ سریعی رشد یابد، صنایع مدرن، کشاورزی شرقی و فرهنگ پرولتاریاتی ایجاد کند، دانش و تکنیک خود را بر سطح دانش و تکنیک شرقی ترین کشورهای جهان قرار دهد و با دست یافتن بسلاح اتمی و هیدروژنی و موشکهای پرتاب این سلاحها نیروی دفاعی خود را برای مقابله با هرگونه تجاوزی از هر سو که باشند تقویت کند.

از همان نخستین سالهای پس از انقلاب دو خط مشی در راه رشد در درون جامعه چین پدیدار گشت: یکی خط مشی پرولتاریاتی انقلابی دیگری خط مشی بورژوازی ارتجاعی؛ مبارزه بر سر آن بود که چین از دو راه رشد سوسیالیستی و سرمایه داری گذامیک را باید بپیماید. تجربه اتحاد شوروی که در آن پس از گذشت چهل سال نظام سوسیالیستی گروهی ریزیونیست و آپورتونیست توانستند قدرت را در حزب و دولت قبضه کنند و نخستین کشور سوسیالیستی جهان را از راه سوسیالیسم منحرف ساخته و راه احیای سرمایه داری بگشایند نشان داد که اگر انقلاب کبیر انکیر مساله تصرف قدرت و استقرار دیکتاتوری پرولتاریا را حل کرده ولی مساله حفظ دیکتاتوری پرولتاریا را حراست سوسیالیسم هنوز راه حلی نیافته است. آزمایش اتحاد شوروی مساله اساسی جدیدی را در برابر پرولتاریای بین المللی قرارداد: در دیکتاتور سوسیالیستی در مبارزه میان راه سوسیالیستی و راه سرمایه داری، میان پرولتاریا و بورژوازی سرانجام کدامیک پیروز خواهد شد؟ چگونه باید قدرت پرولتاریا و دیکتاتوری پرولتاریا را حفظ کرد و استحکام بخشید و از بازگشت سرمایه داری و دیکتاتوری بورژوازی جلوگیری کرد؟

این مساله فتنه با سرنوشت کشورهای سوسیالیستی بلکه با سرنوشت و آینده انقلاب پرولتاریاتی جهانی بستگی پیدا می کرد. انقلاب فرهنگی پرولتاریاتی که تحت رهبری مستقیم رفیق مائوتسه دون و بزرگترین مارکسیست - لنینیست در زمان حاضر از دو سال پس از آغاز کرد پدیدار حل این مساله را که دارای اهمیت تاریخی است به پرولتاریای جهان نشان داد. بقیه در صفحه ۳

شاه و شوروی

روزنامه لووند در ۲۱ ژوئن خبر داد که روزیونیست های شوروی موافقتنامه جدیدی با دولت محمد رضا شاه امضا کرده اند؛ بموجب این موافقتنامه " همکاری فنی و اقتصادی " دولت شوروی اعتباری مبلغ دویست میلیون دلار (معادل ۱۰ میلیارد ریال) در اختیار دولت محمد رضا شاه میدهد. اکنون باید منتظر بود که روزیونیست های ایران این عمل جلا در پرونده روزیونیست های شوروی واترلیک میکنند!

تجاوز ریزیونیستهای شوروی به چکسلواکی

حزب کمونیست چکسلواکی را بسوسیالیسم و اتحاد شوروی بگوش شنوندگان خود رسانید. اما بیک بار وضع دگرگون شد و معلوم کردید که دویچک دبیر اول حزب کمونیست چکسلواکی که رهبران روزیونیست اتحاد شوروی بارها با او بعد از آنکه پروا نداشتند تمام مسائل با او بتوافق رسیده بودند کسی است که در " موضوع آپورتونیست راست قرار گرفته " به " خیانت آشکار " دست زده و در قطع میگذرد وقت بگذراند در عین آنکه بحد انقلاب تسلیم شده است " (از برادر) . این کلیات در دهان ریزیونیستهای شوروی که خود مدتهاست در گرداب آپورتونیسم راست و روزیونیسم غوطه ورنده مشی ضد انقلابی در پیش گرفته اند و بخلقهای جهان و از آنجمله بخلق شوروی بجنش کمونیستی و بسوسیالیسم خیانت ورزیده اند به تمام معنی خند آور است.

در شب ۲۱ اوت ارتش شوروی همراه با ارتش عده ای از کشورهای چچان و رشوه کشور چکسلواکی و عضو دیگر پیمان ورشو و عضو دیگر " خانواده سوسیالیستی " را مورد تجاوز قرار داد و ستاسر آنها اشغال نمود. اتحاد شوروی با اشغال کشور چکسلواکی نه تنها اصول سوسیالیسم و نه تنها آن اصولیکه سالها خود را مدافع آنها نشان میداد، بلکه ابتدائی ترین حقوق بین المللو را نیز زیر پا گذاشت و با عمل خود نشان داد که زمامداران آن همچون نمایندگان امپریالیسم طرفدار سیاست از موضع زوراند. جای بسی تاسف است که ارتش قهرمان استالینگراد، ارتشی که روزی بنباه کاروان آزادی در همه جا مورد استقبال قرار میگرفت اکنون بمنوان ارتش اشغالگر خشم و کینه خلق چکسلواکی را علیه خود بر میانگیزد.

انجام ارتش شوروی به چکسلواکی باز هم شگفت انگیز تر جلوه میکند اگر در نظر بگیریم که گروه ریزیونیست شوروی تصمیمات و مشی نوین پلنوم ژانویه کمیته مرکزی حزب کمونیست چکسلواکی را مورد تأیید قرار داد؛ مذاکراتی که میان رهبران روزیونیست در چرناویراپتلا با صورت گرفت بتوافق انجامید؛ و لنترا و لبریش در ملاقات خود با دویچک در مدح و ستای مشی نوین چکسلواکی داد سخن داد؛ و ادیبی بیک ایران بارها وفاداری دویچک و

چکسلواکی بپروازند؟ در خطابه پنجم کمیسر غشویمان ورشو، آن کشورهایکیماشغال چکسلواکی دست زده اند؛ " برادران چک و اسلواک " اینطور میخوانیم: " امروز برادران طبقاتی شما بیاری شما شتافته اند آنها بشکورت شما آمده اند نه برای آنکه در بقیه در صفحه ۳

پیروزی بزرگ مبارزه قهرآمیز خلق دلاور فلسطینی

هند و ایران

آئینه دار یکدیگراند

داشتند برخی از سران خائن حزب کمونیست هند را به پای - بوس نهب فرستادند . در همین زمان بود که تبلیغات بسوز حکومت هند و ستان مطبوعات ایرانرا نیز فرا گرفت و کوشش فراوان گمراه ساختن افکار عمومی ایران بعمل آمد .

ولی هیچیک از این دروغهای بزرگ نتوانست از بنار آمدن نتایج شومی که لازمه سلطه ارتجاع و امپریالیسم و ریزیونسمی بر هند و ستان است جلوگیری کند . اقتصاد هند و ستان بدرجه ای وابستگی رسید که وزیر دارائی آنکشور در ژانویه ۱۹۶۶ گفت : " هند باید نه فقط بر روی کمک خارجی بلکه همچنین بر روی سرمایه های خارجی خصوصی تکیه کند . "

عده به قبحه انحصارهای امپریالیستی در آمد . کمبود تجارت خارجی که فقط در عرض چهار سال (از ۱۹۵۴ تا ۱۹۵۸) پنج برابر شده بود همچنان در جهت افزایش شتابت سرمایه از صنایع ملی تعطیل شد ، سطح زندگی توده مردم منزل کرد بیثاری توسعه یافت ، تولید کشاورزی دچار رکود گردید ، در ۱۹۶۴ هند و ستان بچنان قطعی هولناکی دچار آمد که در تاریخ نظیر نداشته است . این قطعی هنوز برقرار است و سالیانه در آنکشور در زیر سایه امپریالیسم و ریزیونسمی های شوروی و در مجاورت سه کارخانه نوب آهن قریب ده ملیون نفر از گرسنگی میمیرند . در سال ۱۹۵۶ نهبورک قول شرف داده بود که هند در عرض پنج سال نه فقط نیازمندی خود را از حیث خواربار رفع خواهد کرد بلکه بصورت صادر کننده غلات در خواهد آمد . ولی از آن تاریخ تا کنون رهبران دولت هند هر سال بر گشتن خواربار بدیوژیکی بدرگاه امپریالیسم آمریکا میثابتند و سالیانه ۱ الی ۱۲ ملیون تن گندم وارد میکنند و هرچه این سیاست فید ملی بیشتر ادامه یابد کشور هند ناتوانتر و محتاجتر خواهد شد .

ریزیونسمیهای هند میکنند که خیانت عظیم بر روی آری آن کشور را بطریق بیوشانده و تلخ وضع فلاکت بار کنونی را با " نوسیه هائی چند " امکان پذیر جلوه دهند و " رفم ارضی " حکومت ککره را مثبت بشمارند و افکار عمومی را بکراهی بکشاند . ولی واقعیات چندین ساله نشان میدهد که تمام مصائب خلق هند ناشی از طبقات حاکمه و دستیاران امپریالیست و ریزیونست آنهاست . تسلط وقتی که ارتجاع و امپریالیسم سرنگون نشود هیچ رفم و هیچ اقدام سوافریبانه ای و هیچ کارخانه نوب آهنی نمیتواند تحول اساسی در زندگی خلق به وجود آورد . رفیق مائوسه دون میگوید : " ما یقین داریم که انقلاب و تولید میثوانند مسئله تعدیه مردم را حل کنند . انقلاب میثواند همه چیز را در کون ساود . " خلق ستمدیده هند هر روز بیشتر باین آموزش مائوسه دون پی میرد و از راه جنگ طولی دهقانی که شورش دهقانان ناشایبای در روزه ۱۹۶۷ و طلایه آن بود در راه انقلاب قدم بر میدارد .

هند و ستان و ایران از پاره ای جهات آئینه دار یکدیگرند . ایران نیز مانند هند و ستان مرکز سازش امپریالیستها و ریزیونست های شوروی است . ایران نیز مانند هند و ستان در شرایط سلطه ارتجاع و امپریالیسم و ریزیونسم حاصل دیگری جز رگی گرسنگی بیرفتگی نخواهد داشت . چاره ایران نیز بدست انقلاب قهر آمیز است .

در ارتش

در یکی از نامه هائیکه به " توفان " رسیده است چنین میخواند :
 نم .
 اخیرا سران ارتش برای تکمیل کار ارتش سخت بدست ویا افتاده اند . بلندگوهای سیار ارتش کوش را گرم میکنند و جوانان را برای دوره کمک مهندسی نیروی هوائی ویا گروهائی دعوت میکنند . ولی جوانان اگر بیگانه مانده را ترجیح میدهند . اتفاق جالبی که یکی از دوستانم شاهد آن بوده اینست که یک گروهان در حالیکه بنا بدستور فرمانده خود آگهی استخفا را بدیوار میچسبانند زیر آن نوشتن هرکس اسم نویسی کند بسی شرف است .

هند و ستان یکی از محقرترین و ضایعترین مراکز سازش امپریالیسم آمریکا در ریزیونسم شورویست . ایران نیز از چند سال پیش به صورت چنین مرکزی درآمد است . از بنجهت مطالعه نتایجی که تاکنون برای خلق هند حاصل شده برای خلق ایران آموزنده خواهد بود .

پس از استقلال هند و ستان سلطه انحصارهای انگلیسی بر آنکشور نه فقط کاهش نیافت بلکه افزوده شد . روزنامه دیلی تلگراف در ۸ نوامبر ۱۹۶۰ نوشت : " سیزده سال بعد از استقلال هند و ستان ، سرمایه گذاری انگلستان در آنکشور از کلیه ادوار تسلط امپراتوری انگلستان بیشتر است . " در این دوران امپریالیستهای دیگر و بویژه امپریالیستهای امریکائی در غارت هند و ستان با امپریالیستهای انگلیسی شریک شدند . در طی ۱۰ سال از ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۸ سرمایه گذاری انگلستان در هند ۱۰ برابر شد و سرمایه گذاری آمریکا به برابر امپریالیستهای آمریکا ، آلمان غربی ، انگلستان ، کانادا ، فرانسه و ژاپن تحسنت سیرستی بانک بین المللی یک " کلوب کمک به هند " تشکیل دادند که مجموعه کمکهای " پی به هند " پیش از مجموعه کمکهای بود که مجموعه کشورهای جنوب شرقی آسیا داده میشد . آمریکا برای سومین نطقه پنج ساله هند (۱۹۶۱ - ۱۹۶۶) مبلغ ۹۶ ملیون لیره قرضه داد .

هدف امپریالیستها صریحا این بود که از هند و ستان در برابر جمهوری توده ای چین " دوشد کمونیسم " میثابند . کندی میگفت " ما میثواهم هند و ستان در مسابقه با چین بیثابتند . " مگر چین موفق گردید و هند شکست بخورد توازن قوا تکامل اقتصادی بر زبان ما بهم خواهد خورد . " همچنین منظور امپریالیستها مناسب دیدند که در هند و ستان با ریزیونسمیهای شوروی بسازشهایی برسد و این نقشه را از سالهای ۱۹۶۰ بیعتد بوقع عمل در آوردند . همین نماینده امپریالیسم آمریکا در ۳ دسامبر ۱۹۶۲ اظهار داشت : " بعقیده من کاملا بصره ماست و همچنین بصره هند است که هند روابط خود را هر چه ممکن است با مسکو دوستانه نگهدارد " و در ۱۰ دسامبر همان سال : " آمریکا آرزویند است که اتحاد شوروی بپیروی دفاعی هند کمک برساند و آنرا تقویت کند . . . بسود امریکاست که اتحاد شوروی همچنان بکمک اقتصادی بپندد ادامه دهد . "

ریزیونسمیهای شوروی که آرزوی تقسیم جهانرا در سر میبرورند مشتاقانه از نقشه امپریالیستها استقبال کرده عملا بعشویت " کلوب کمک به هند " بر آمدند و فقط در فاصله ۱۹۵۵ تا ۱۹۶۲ مبلغ ۳ ملیارد روبیه بپندد کمک دادند . ریزیونسمیهای شوروی با سروسدای بسیار بساختن کارخانه نوب آهن دست زدند . استقلال اقتصادی هند را از این پرتامین شده شمرند . امپریالیستهای امریکائی ، انگلیسی و آلمانی نیز هر یک کارخانه نوب آهن دیگری ساخته بدرجه بالاتری از عواقریبی ریزیونسمیهای شوروی قدم گذاشتند . امپریالیستها کشور هند را با بلایه سهم عظیمی از بودجه دولتی وی بانبار اسلحه و مهمات تبدیل کردند تا در موقع خود در اجرای دسائس تجاوزکارانه بر ضد جمهوری توده ای چین بکار افتد . ریزیونسمیهای شوروی از آنها عقبمانده در ژانویه ۱۹۶۲ بانعتقد قرارداد نظامی با هند دست زدند و هواپیماهای شکاری مافوق صوت و انواع دیگر آخرین سلاح ها را بوی تسلیم داشتند تا سهم خود را در ایجا نقشه های امپریالیستها بر ضد جمهوری توده ای چین ادا کرده باشند .

در زمینه گمراه ساختن افکار عمومی نیز سازش امپریالیستها و ریزیونسمیها بهمین پایه بود . امپریالیستها از یکسو بر سراسر شتون سیاسی و اقتصادی کشور هند دست انداخته بودند و از سوی دیگر آن نمونه " کشور بیطره " معرفی میکردند از یک سو برای بتحریکات بر ضد جمهوری توده ای چین وحشی حمله بر دژ سوسیالیستی برمیانگشختند و از سوی دیگر آنرا " قهرمان سیاست صلح " جلوه میدادند . ریزیونسمیهای شوروی نیز باین قانون فتنه انگیزی امپریالیستی پیوسته حتی از شرکا خود قدم فراتر نهادند و ولنتکرمرا در هند و ستان سازند سوسیالیسم اعلام

پیروزیاد جمهوری توده ای چین
 بقیه از صفحه ۱

صد ها ملیون از توده های انقلابی خلق چین و کارهای انقلابی حزب واحد های ارتش آزاد بیخش چین اندیشه مائوسه دون را در باره انقلاب فرهنگی پرولتاریائی که مانند کوه گرانبها بر کوهینه مارکسیسم - لنینیسم افزوده گردیده بدار بستند . اکنون در سراسر چین (بجز تایوان که هنوز در اشغال امپریالیسم آمریکا است) کشته های انقلابی مرکب از نمایندگان توده های انقلابی و کارهای انقلابی حزب واحد های ارتش آزاد بیخش بوجود آمده است . این کشته ها تجسم ارگانهای قدرت پرولتاریا ، ارگانهای دیکتاتوری پرولتاریا میباشند . با پیروزی انقلاب فرهنگی پرولتاریا دیکتاتوری پرولتاریا استحکام یافت و دولت سوسیالیستی چین از دستبر ریزیونسمی صون ماند . چین سرخ همچنان سرخ پی جلی ماند و تلاش امپریالیستهارا در برایتکه خلق چین را از پیشتر در شاهراه سوسیالیسم باز دارنداز طریق " تکامل مسالمت آمیز " آنرا به " دنیای آزاد " بازگردانند یا فکامای گرانید .

انقلاب فرهنگی پرولتاریائی برای صد ها ملیون توده محروم - کس شیوه تفکر انقلابی پاریمان آورد ، آگاهی سیاسی آنها را بالا برد ، در آنها روح انقلابی دید آنها را در راه رشد عظیم نیروهای تولیدی ، اقتصاد و فرهنگ توده ای کشانید . صد ها ملیون توده زحمتکشها تحقق شعار " انقلاب کنید ، تولید را بیشتر کنید " در تمام جبهه های انقلاب سوسیالیستی و ساختمان سوسیالیسم به موفقیتهای درخشانی نائل آمدند .

پرولتاریا و خلقهای ستمدیده جهان بگامیهای عظیم جمهوری توده ای چین باشوروشوق فراوان میگردند . گامیهای دولت سوسیالیستی چین مرکز انقلاب پرولتاریائی جهانی را گامیهای همه نیروهای انقلابی در همه خلقهای جهان است . بدون شک خلق کبیر چین در زیر رهبری آموزگار بزرگ رفیق مائوسه دون راه کار ساختمان سوسیالیسم کار و مبارزه با امپریالیسم فاشیستی را بلیسم آمریکا و ریزیونسمی که در او دسته ریزیونسمی شوروی در مرکز آن قرار دارد پیروزیهای بزرگ در خشتان و در خشتان نائل خواهند داد .

نیرومند باد جمهوری توده ای چین ، در ششتر نیز باید سوسیالیسم ویا بگاه انقلاب پرولتاریائی جهانی .
 پیروزیاد انقلاب فرهنگی پرولتاریائی خلق کبیر چین .
 استوار باد پیوند انقلابی همه خلقهای جهان در مبارزه علیه امپریالیسم و ریزیونسم .
 افراشته باد پرچم مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوسه دون

فرخی و انقلاب چین

فرخی بزی (لب دونه) شاعر انقلابی ایران با امید فراوان جریان انقلاب چین را دنبال میکرد و در سالهای ۱۹۴۴ - ۱۹۴۷ که از سالهای اوج انقلاب چین بود مشتاقانه چنین میگفت :
 بجد و جهد اگر قوه های چین شد باز
 من از چه میترسم ؟ کار خودم حواله کنم

فرخی از تحریکات سرمایه داری جهانی بر علیه انقلاب چین سخت براشفته و دل آزرده بود و نزل زیرین را باین مناسبت سرود ماست این نیست عرق کورخ آن ماه جبین ریخت خورشید فلنق وشته پروین به زمین ریخت دیگر من از صلح و صفاد که حوزادت در خرمن ایثار آتش کین ریخت زهری که ز سرمایه بدم داشت توانگر در کام فقیران بدم باز بسین ریخت هر قطره شود بحری و آید بده تلاطم این خون شهیدان که به نزهتک چین ریخت از نقشه کیتی شود شرم و نشان محسو هر کسی که پی محو شتر طرح چنین ریخت با انگ روان توده زحمتکش دنیا در آمدن صد باره خوس دروشین ریخت هر جا که صیبت که فکد داشت از این هم یکجا بسرفرخی خاک نشین ریخت

ماجرای نفت
 و افزایش استخراج نفت در واقع تحمیلی بر کسب سیم است . این استدلال منبع دیگری جز تلقین امپریالیستها ندارد . همه میبینند که چگونه امپریالیستها هر روز برای بدست آوردن منابع جدید نفت و استخراج آن تلاش میکنند . همین چندی قبل (۱۶ آوریل ۱۹۶۸) روزنامه مطلع لوموند چنین نوشت : "طبق تخمیناتی که بسیار قابل اعتماد میباشد در سال ۱۹۶۰ اروپای غربی از حیث انرژی و معادل انرژی ۳۰۰ میلیون تن زغال کبود در اختیار است و این کبود در ۱۹۹۰ به معادل ۷۱۰ الی ۷۴۵ میلیون تن و در ۱۹۸۰ به معادل ۹۷۵ میلیون تن زغال خواهد رسید . برای جبران کبود مذکور در درجه اول بدو خا فراوان و از آن خاورمیانه و آفریقای شمالی توسل خواهد شد و صادرات نفت این نواحی در ۱۹۷۰ به معادل یک میلیارد تن زغال و در سال ۱۹۸۰ به معادل ۵ میلیارد الی ۷ میلیارد تن خواهد رسید . و این مقدار علاوه بر صادرات گاز طبیعی خواهد بود ."

با توجه به این سند بخوبی میتوان دید که اگر میزان تولید نفت خالص ایران در ۱۹۶۶ به ۱۰ میلیون تن و در ۱۹۶۷ به ۱۳۰ میلیون تن افزایش داده شد و باز در آوریل ۱۹۶۸ موافقت به عمل آمد که میزان مذکور در عرض ۱۰ سال سالیانه ۱۶۸ درصد دیگر افزایش یابد این اقدامات در درجه اول بسود امپریالیستها صورت گرفته و در حکم خیانتهای جدیدی به منافع مردم ایران بود هاست . بویژه بخاطر بیابوریم که افزایش سال ۱۹۶۷ مقابین زمانی بود که عدای از کشورهای عربی بنسبیت جنگ تجاوزی- کارانه اسرائیل و پشتیبانی امپریالیستها از وی بقطع جریان نفت برخاسته بودند و اقدام دولت ایران در افزایش میزان استخراج نفت نه فقط خیانت بمنافع مردم ایران بلکه خیانت به غدارانهای بود که از پشت پرده خلیجهای مبارز عرب وارد میآید . بطور کلی در هر صورت کبود با حکومت محمد رضاشاه و امپریالیستها در مسئله نفت باید در سیاست مضار را از اهم تشخیص داد : یکی سیاست رویزیونیستها که چانه زنی های محمد رضاشاه را با امپریالیستها با بدیده اصحاب نگریده به طور عینی " مثبت تلقی میکنند و باین طریق رژیم محمد رضاشاه را میآریند ، توده ها را می فریبند و به تثبیت مواضع امپریالیستها یاری می رسانند . و دیگر سیاست مارکسیست ها - لننیست ها که افتاشا مانورهای امپریالیستی را وظیفه خود می شمارند که هر عملی را که در جهت تثبیت حکومت ضد ملی گزینی و حامیان امپریالیستها می باشد عمیقاً ارتجاعی میدانند ، مبارزات روز را پیوسته در سمت هدف استراتژیک که سرنگون ساختن رژیم کودتا و بسر گذن ریشه امپریالیسم از ایران است توجیه میکنند .

زلسرله بهیه از صفحه ۱

تجاوز رویزیونیستها بقیه ارضی امور داخلی شما مداخله کنند بلگری آنکه همراه شما باشد انقلاب بیارزه برخیزند ، از امر سوسیالیسم دفاع کنند ، از تهدید علیه حاکمیت و استقلال و امنیت میهن شما جلوگیری کنند . سیاهیان کشورهای متحد برادر نزد شما آمده اند باین منظور که هیچ کس شما را از آزادی ، محروم نسازد "

شکفتا بچند صد هزارار نش شوروی یا توپ و تانک از راه زمینی و هوایان کبان بر کسروی هجوم میبرند و آنرا اشغال میکنند ، استقلال و حاکمیت آنرا زنیبا میزد ، آنگاه " برادران طبقاتی " برانند که کویا اینها همه بخاطر جلوگیری از تهدید علیه حاکمیت و استقلال ملی آن کشور است !

شکفتا ، مقامات اشتغالی و رهبران حزب و دولت و مجلس ملی کشور را با حضور و بطور اهانته آمیز میبایزند ، بازرسینزه آنها را بر سر میز مذاکره می نشاندند ، باضا " موافقتنامه ای که دیکته شده ، مقایسه مات اشتغالی است مجبور میسازند آنگاه " برادران طبقاتی " بر آنند که در امور داخلی کشور قصد مداخله ندارند !

شکفتا ، نانگهای ارتش در تمام شهر ها و در شهرها در تمام میدانها و شوارع موضع گرفته و توپهای خود را علیه مردم برگردانند و گاه و بیگاه به هوا با بروی مردم خیرانه ازی میکنند ، آنگاه " برادران طبقاتی " برانند که آنها برای تامین آزادی و امنیت مردم یکسور قدم رنجه فرورده اند !

شکفتا ، کسانیکه در کشورهای خود دستاوردهای سوسیالیسم را بر باد داده و میدهند و جامعه را در تمام شتون آن بسوی " احیا " سر میارند ، کشورهایی مانند لیستان که در آن کشاورزی تقریباً بشماهی در دست تولید خصوصی است و استثمار پنجاه کارگر و اگر بوسه تولیدی در شبانه روز سه توت کار کند ، استثمار یکصد و پنجاه کارگر بطور رسمی قانونی و مجاز است ، یکسور چکسلواکی قشون می کشند تا در آن از امر سوسیالیسم دفاع کنند !

رویزیونیستهای چکسلواکی از همان راهی رفتند و میروند که کثرت بیست و بیست و دوم حزب کمونیست اتحاد شوروی با نشانها داده است ، با این تفاوت که اکنون میخواهند این راه را مستقل و با ابتکار خود بپیمایند ، نه اینکه حرکت خود را تابع چویدست مسلو نمایند . اعزاز ارتش چکسلواکی در واقع برای آنست که گروه رویزیونیست چکسلواکی بزمامت کوچک راباکووی دیگری که باطل مطلق از زمانداران مسخوف در دهن جانشین سازند و انحصار شوروی بتواند آنچه را که از دنیای رویزیونیسم برای او باقی مانده به شتابه منطقه نفوذ همچنان حفظ کند . معلومست که صحبت از مداخله نظامی بخاطر حفظ و حراست سوسیالیسم جز دروغ و فریبکاری نیست .

لشکرکشی شوروی در چکسلواکی خشم و تنفر خلیقهای جهان را بر انگیزد و اتحاد شوروی را در موقعیت نامطلوبی قرار داد ، برای توجیه و تبرئه تجاوز خود رویزیونیستهای شوروی ابتداء مدعی شدند که ارتش کشورهای عضو پیمان ورشو بنا بدر خواست مقامات رسمی حزبی و دولتی چکسلواکی وارد این کشور شده اند ، باینکه آنکه مقامات رسمی این دروغ را فاش کردند ، آنها ادعا کردند که کویا عدای از رهبران حزب و دولت از شوروی و کشورهای دیگر بیژان ورشو برای مبارزه با ضد انقلاب تافاضی مداخله نظامی نموده اند اما این بار نیز هیچکس حتی هیچیک از سرسپردگان به رویزیونیستهای شوروی نیز حاضر نشد در برابر خلق خشمناک خود بار چنین خیانتی را بر دوش بگیرد ، رویزیونیستهای شوروی کمان میبردند که باسانی و بسرعت میتوانند دولت دست نشانده را بجای دولت قانونی بنشانند ولی هیچکس نخواست تقش کسلیتنگ بازی کنند .

تنها راهی که برای رویزیونیستهای شوروی باقی میماند این بود که همان کسانیکه در " مواضع ایورونیسم راست " قرار گرفته و آشکارا به سوسیالیسم خیانت کرده و " تسلیم ضد انقلاب " شده بودند وارد مذاکره شود و آنها را مقامات قانونی کشور بنشانند . رویزیونیستهای چکسلواکی با تسلیم در برابر نظریات تحمیلی مسلو اتحاد شوروی را از بن بستی که در آن افتاده بود بیرون کشیدند ، آنها خلق چکسلواکی را از مقاومت و مبارزه علیه ارتشهای اشغالگر بازداشتند ، در عمل بخواستهای نا مشروع زمانداران شوروی چاره عمل پوشانیدند و کشور خود را همچنان در اشغال ارتشهای بیگانه باقی گذاشتند . از

رویزیونیستها جز اینهم نمیتوان انتظار داشت . مداخله سلطانه اتحاد شوروی در چکسلواکی بحران اردو رویزیونیسم را بیش از پیش شدت بخشید . اکثریت احزاب رویزیونیست و از آنجمله تمام احزاب رویزیونیست اروپای غربی (با استثنای حزب کمونیست آلمان غربی) تجاوز شوروی را طرد و محکوم کردند . در دست رویزیونیست شوروی بیش از پیش متفرق گردید ، مداخله نظامی شوروی ، غرضه سخت دیگری بر پیتر رویزیونیسم وارد آورد ، چهره زشت و نا زیبای رویزیونیسم را باز هم بیشتر بخلقه های جهان نشان داد ، نشان داد که چگونه رویزیونیسم در ایامال کردن استقلال و حاکمیت خلیقا دست کس از امپریالیسم و ارتشگانه ندارد .

طبیعت بورژوازی با خرسندی فراوان از " بحران کمونیسم " از " دوران نزع کمونیسم " سخن می رانند اما آنها نمی بینند که آنچه که کرتار بحران و نزع است ، کمونیسم نسبت به رویزیونیسم است رویزیونیسم با سرخشی بیش از آنچه که انتظار آن میفرستد در حال نابودی و زوال است بدون شک بروی ویرانه های آن کمونیسم بانیر و دامنه بیشتری بر جهان پرتو می افکند . کمونیسم جوانی جهان است !

امپریالیستها که خود تجسم نفوذ استقلال و حاکمیت خلیقا میباشند بر اشغال نظامی چکسلواکی اشک می ریزند اما چیزی که در نزد آنها مطلقاً مطرح نیست سرنوشت خلق چکسلواکی و حاکمیت و آزادی آنست .

آنها در واقع از حربه جدیدی که گروه رویزیونیست شوروی و همدستانان بدست داده اند ، برای مبارزه با مارکسیسم - لننیسم و سوسیالیسم استفاده میکنند . آنها باین فکر دامن میزنند که سوسیالیسم کویا با تجاوز بخلقه های دیکر بیگانه نیست ، وحدت و یکپارچگی اردوی سوسیالیسم و جنبش کمونیستی سختی تودالی است انترناسیونالیسم پرولتری بنداری واهی است و از این قبیل ... واقعیت آنست که طی سالهای اخیر در اتحاد شوروی و دیگر کشورهای رویزیونیستی گذشته و میگذرد بهیچ وجه . وجه مشترکی با سوسیالیسم و کمونیسم ندارد . این کشورهای مدتهاست از سوسیالیسم روی گردانیده و در سیاست داخلی و خارجی خود راه " دنیای آزاد " را در پیش گرفته اند ، تجاوز آنها به چکسلواکی تظاهری از ماهیت بورژوازی آنها است و این واقعیت را با هیچ سفسطه ای نمیتوان پوشانید .

رویزیونیستهای حزب توده ایران نیز با تافتهای رادیکالی خود کالان در انتقال مردم ایران بیکوشند . آنها تاجشعی بیچین مردم میهن ما را در مورد ماهیت رویزیونیستی زمانداران چکسلواکی با شتابه میانداختند ، اکنون نیز با دروغ تحریف حقایق و در برده گذاشتن واقعیت ، تجاوز اتحاد شوروی را بکشور چکسلواکی می پوشانند ، اما مردم ایران اکنون دیگر بآن درجه از آگاهی سیاسی و اجتماعی رسیده اند که بتوانند دروغ را از راست و صحیح را از سقیم باز شناسند و راه خود را در مسائل سیاسی باز یابند ، سازمان ما مداخله نظامی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای رویزیونیستی را شندید ! محکوم میکند و پشتیبانی همه جانبه خود را از مقاومت مردم چکسلواکی اعلام میدارد . ما یقین داریم که مقاومت و مبارزه خلق چکسلواکی علیه اشغالگران بیگانه و تسلیم طلبان خودی سرانجام به پیروزی خواهد انجامید و پرچم سوسیالیسم بار دیگر بر فراز این کشور باهتزاز در خواهد آمد .

میران حدیثه سبکت X GIOVANNA GRONDA
 24030 VILLA D' ADDA / ITALY
 حساب بانکی
 CONTO 12470 / 11
 CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
 MILANO / ITALY

روزنامه توفان بانگیکه بر تیریری خود برپاست ، انتشار هر شماره را باین روزنامه با همبدا شواریهایی فراوان و روبروست ، هر کس که مادی شفا قس در راهش میتوفان است ، از هر کسکی هر چه قدر کوچک باشد خود داری نورزید ، شاسفانه جلالت وضع خاص متوفان اخذ از توفان و اعانه از طریق مادی میسبی نیست . مبلغ بچندان و اعانه خود وسایل رفاه و دستاورد مستقیماً بحساب بانکی توفان بریزید و با این طریق دیکر ما برسانید . بهیاتی که شماره توفان در ایران و وریال در ترکیه معادل دو وریال و در سایر کشورها معادل دو وریال است ، بهیاتی اشتراک سالیانه متوفان معادل صد وریال است

تنها راهی که برای رویزیونیستهای شوروی باقی میماند این بود که همان کسانیکه در " مواضع ایورونیسم راست " قرار گرفته و آشکارا به سوسیالیسم خیانت کرده و " تسلیم ضد انقلاب " شده بودند وارد مذاکره شود و آنها را مقامات قانونی کشور بنشانند . رویزیونیستهای چکسلواکی با تسلیم در برابر نظریات تحمیلی مسلو اتحاد شوروی را از بن بستی که در آن افتاده بود بیرون کشیدند ، آنها خلق چکسلواکی را از مقاومت و مبارزه علیه ارتشهای اشغالگر بازداشتند ، در عمل بخواستهای نا مشروع زمانداران شوروی چاره عمل پوشانیدند و کشور خود را همچنان در اشغال ارتشهای بیگانه باقی گذاشتند . از

گوشه‌ای از

ماجرای نفت

چند سالی است که تبلیغات دروشین و فریبنده روزمحمد رضا شاه در ساله نفت ایران بطور عمده در پیرامون افزایش تولید دور میزند. هر چند گاه یکبار محمد رضاشاه بعنوان اینکه ایران برای اجرای نقشه های اقتصادی خود پدر آمد نفت نیازمند اشخاصا و به شیوه ای جنابال انکیز اعلام میدارد که استخراج نفت ایران بوسیله کسر سوم باید افزایش یابد و اگر در اینکار تعلل شود دولت ایران چنین و چنان خواهد کرد. آنگاه نمایندگان کسوسوم قیافه ناراضی بخود میگیرند؛ پینهادی را و زبانی بزرگ و طاققت فرسا برای خود میسرند و اعلام میدارند که زیر بار چنین تحمیلی نخواهند رفت. سپس طبل و کوس جتکزوری کوبیده میشود. نمایندگان کسر سوم و نمایندگان محمد رضاشاه صراحتی میکنند و رجز میخوانند. بهم میزنند. کرد و خاک بهوا میدهند. کسوسوم تقصیرات نبرد را همهجا منتشر میسازند. تسلا آنکه محمد رضاشاه دوباره شخصا میدان میاید و نمایندگان کسر سوم که در برابر این جهان پهلوان چاره دیگری جز سرفاکندن و تسلیم شدن ندارند بناچار میزان استخراج نفت را بالا میرند. سهم ایران را از درآمد نفت افزایش میدهند و بالتلیجه در تمام دستگاههای دولتی ایران بافتخار پهلوانی محمد رضاشاه چرغانی میشود و "حق به حق دار میرسد و هشدار!"

این نماینده تا کنون مکرر در صحنه کشور ما بازی شده است تا شاید مردم بزور این شعبده فراموش کنند که آن مترسکچیزی که در ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ از جلو خشم تودهها کرخت و باکودنگ دولتهای وابسته بهمین انحصارهای نفتی دوباره بر تختسلطنت نشاندند شد همین محمد رضاشاه است!

اما همه میدانند که رابطه انحصارهای امپریالیستی با ملتسم دیده رابطه استثمارگرانه و راهزانه است. در هر پیمانته نفتی که کسر سوم از کشور ما میرسد سهمی از ثروت ما بخشی از نتیجه کار و کوشش ملت ما، جرعهای از خون مردم ما نهفته است. هر چه تعداد این پیمانتهها بیشتر باشد سهم بیشتری از ثروت ما بخش بزرگتری از نتیجه کار و کوشش ملت ما جرعهای واقتری از خون مردم ما بگام امپریالیستها خواهد رید ریخت. و این حقیقت آشکارا با هیچ سفسطهای نمیتوان پوشا جالب توجه است که هر کاس محمد رضاشاه ماجرا افزایش استخراج نفت را صادر میکند و باین در واقع قرار داد خانثانه ۱۳۳۳ را تحکیم میکند و توسعه میدهد در میان ایادی امپریالیسم و میهن فروشان و اجاری که برای اوک میزنند قیافه روزیونیستهای ایرانی و بویژه شوروی چشم میخورد. رادیو مسکو در ۲۱ آذر ۱۳۴۵ این صحنه سازی تنفرانگیز رژیم محمد رضاشاه را "پهروزی ایران" تلقی کرد و نقش دولت را در این بازی مورد پشتیبانی "اکثریت مردم ایران" جلوه داد. باید از این آفایان که هنوز تظاهر به مارکسیسم را از دست نهند مانند پرسید که سود خالص کسر سوم در ایران - که بقول خود شما سالیانه بالغ بر یک میلیارد دلار است (رادیو مسکو ۲۱ اسفند ۱۳۴۶) و بقول منابع موقی بورژوازی در کشورهای خاورمیانه بطور کلی به ۱۱ الی ۱۱ درصد سرمایه میرسد - از چه محلی بدست میاید؟ جز از محل استخراج نفت و استثمار زحمتکشان؟ پس چرا چه میزان استخراج بیشتر باشد سود کسوسوم و زیان زحمتکشان هم بیشتر خواهد بود. پس شما که در کنار محمد رضاشاه در راه افزایش استخراج نفت کسوسوم تلاش میکنید در جهت افزایش سود وی و زیان زحمتکشان از آن قوم بر میدارید.

حکومت ایران که میخواهد افزایش ثروت نفت را در مصلحت ملت ایران جلوه دهد و چنین استدلال میکند که کوبا احتیاج امپریالیستها به نفت ایران کثر از آنست که ایران مطالبه میکند

بخیه در ص ۲۳

در این روزها خلق ویتنام بیست و سومین سال بنیادگذاری جمهوری دموکراتیک ویتنام را جشن میگیرد.

جمهوری دموکراتیک ویتنام ظهراراده پولادین خلقی است که امپریالیستهای تجاوزکار و زاپستی و فرانسوی را بی بیس از دست از سرور آزادین و استقلال خویش بر داشته و تا امروز ماغ نیرومند ترین قدرت امپریالیستی جهانی یعنی امپریالیسم امریالیست را این زاندم تهنیدار بین المللی را بر خاک مالیده است. نام جمهوری دموکراتیک ویتنام باحماسه دین بین فوک که زبونی و شکست فغضفا و نترالهای مغرور امپریالیسم فرانسه را در برابر دیدگان وحشت زده مرتجعان جهان کسترانید همراه است.

امپریالیسم امریکا که از سر نوشت تجاوزکاران پیشین پندنگر است بمنظور آنکه شکست نقشه های خویش را در ویتنام جنوبی بیه پوشاند از یاری جمهوری دموکراتیک ویتنام به برادران جنوبی جلو کیر ساختن پروروق سوسیالیسم را در جمهوری دموکراتیک ویتنام در چار و فقه ساز راهزانه بر آن جمهوری حمله ور شد. بسیار روز افزون شهرها، بنا هها، صنعتی، فرهنگی و بهداشتی را آغاز کرد. اما حساب وی کیر اخاف مطلق بتفوق اسلحه حکمی بود مطلقا غلط از کار در آمد. در اثر بیماریان های هوایی امریکا اراده خلق و حزب دولت جمهوری دموکراتیک ویتنام در کتک رساندن به برادران جنوبی استوارتر شد. میزان هک روز بروز افزایش یافت. اقتصاد سوسیالیستی جمهوری دموکراتیک ویتنام در شرایط جد بدیمرحله جدیدی از رشد و تکامل کام گذاشت. کارخانه ها، موسسات صنعتی، علمی، پژوهشی، فرهنگی، بهداشتی و تیر ههکی از شهرها بدات منتقل شد و بشکل پراکنده در مناطق با معاشیات نوین مبارزه بفعالیتهی شوکان اراده داد. و این امر به رونق و توسعه در تحکیم اتحاد کارگران و دهقانان، در آمیزش روشنگران باتوده خلق و در اخاف سطح اکاهی دهقانان بالتلیجه در تحکیم بنیاد اجتماعی و اقتصادی و سیاسی رفهکی جمهوری دموکراتیک ویتنام

ناتیر شکر داشتند و خواهد داشت. رفیق هوئی مین، رهبر خلق ویتنام، در پیام خویش روزیه چنین گفت:

امپریالیستهای امریکائی نمیتوانند برای کسترش جنگ تجاوزکارانه - پانصد هزارهک ملیون حتی بیشتر - بران ویتنام جنوبی اعزام دارند. آنها نمیتوانند برای تکثیر حملات خویش بر شمال هزارها هواپیما بارانند ازنده اما هرگز نخواهند توانست اراده آهنگین و عزم خلق قهرمان ویتنام را که برای نجات ملی خویش بر علیه تجاوز امریکایر خاسته است درهم شکنند. ممکن است جنگ پنج ساله ده سال و بیست سال و با بیشتر طول انجامد. ممکن است هانگ های فوک و همچنین تعداد دیگری از شهرها بنیادها ویران گردند ولی خلق ویتنام از یاری نخواهد نشست. هیچ چیز و لا ترازا استقلال و آزادی نیست. آنگاه که روز پیروزی فرارسد خلق ویتنام کوشش را به بهترین شکلی آباد خواهد کرد و ساختمان های بزرگتر و پیاپی بوجود خواهد آورد.

خلق ویتنام از شمال تا جنوب باحقایق این پیام وفادار است و راندن تجاوزکاران امریکائی، رهائی جنوب، دفاع از شمال و توحید کشور شعاری است که خلق ویتنام مانند تن واحد برای عملی ساختن آن بهای خاسته است. امپریالیسم امریکا هر بار که به عروج جدیدی در جنگ تهاجمی در جنوب یاد رشتال دست میزند بسقوط در پرتگاه شکست نزدیک میشود. جنگ خلق ویتنام بر علیه امپریالیسم امریکاجکی است عادلانه و باخطر آرومانهای مقدس همه خلقهای جهان. جنگ خلق ویتنام بزرگترین جنگ انقلابی عصرماست. پشتیبانان از خلق ویتنام وظیفه انترناسیونالیستی گیک خلقهای جهان است.

نیرومند با جمهوری دموکراتیک ویتنام. پیروزان جنگ فوکت و دهای دلاورانه خلق ویتنام بر علیه امپریالیسم امریکا.

تناقض گویی و پیژیونیسمها

"مسئله اصلی که باید حتماً آن جواب داده شود اینست که چکسلواکی سوسیالیست باقی خواهد ماند یا نه... اتفاقات اخیر که در چکسلواکی در جریان است نشان میدهد که عناصر دست راستی و ضد سوسیالیست، با استفاده از تظاهرات معتناه مردم در مورد جبران اشتباهاتی که انجام شده، براهتی بر فعالیت حزب کونیست ضربه میزنند و میانی سوسیالیسم را به خطر میاندازند."

در همان شماره در نطق پادگورنی چنین میخوانیم: "امروز سرمایه داری و امپریالیسم در چکسلواکی با پشتیبانی فعالانه طبقات سرنگون شده عناصر ناسیونالیست و روزیونیست بر پایه های سوسیالیسم و بدولت سوسیالیستی این کشور ضربه میزنند" (تکیه روی کلمات از ماست).

"این اپوزیسیون که امروز بکنک سرمایه داری و امپریالیسم در چکسلواکی بر علیه سوسیالیسم مبارزه میکند مرکب است از نمایندگان طبقات سرنگون شده استثمار کننده و عناصر دست راستی و ناسیونالیست و روزیونیست و گروه های قانونی و غیر قانونی" (تکیه روی کلمات از ماست).

اینک آیا نویسندگان مجله دنیا با توجه باین نوشته ها درباره پیشگویی روزیونیست خود چه میگویند؟ آیا آنها را سفیه میسازند یا تظاهر به سفاکت؟

حقیقت اینست که روزیونیست های شوروی هرگز بفهم مارکسیستی طبقات و چگونگی آنها در دوران دیکتاتوری پسر و ناتاریا اعتقاد ندارند و اگر امروز چنین نوشته هایی از قلم آنها می تراود فقط بمنظور آنست که روزیونیست های چکسلواکی را در مطنسور بگذارند.

یکی از خوانندگان گرامی توانان در نامه ای می نویسد: "رفقای سازمان توقان شریه شما که مرتباً بدست ما میرسد روز بروز موفق تر و عنی تر میشود. نکاتی از آن که خیلی جالب میباشد عبارت است از روز بروز گذاشتن ضد و نقیض کوشی های روزیونیست ها... من هم سعی کردم بنویس خود شما را در اینکار یاری دهم و اینک مدارک زیرین را برای شما میفرستم: مجله دنیا ارگان روزیونیست های ایرانی در شماره ۴ پائیز ۱۳۴۶ در صفحه ۴۹ می نویسد: "تشریصین های قهار چنین توجه ندارند که احیا سرمایه داری در یک کشور مستلزم احیا مناسبات تولیدی سرمایه داری و استقرار دیکتاتوری بورژوازی مستلزم وجود بورژوازی است. در جامعه ای که مناسبات تولیدی سرمایه داری سالهاست در آن وجود نداشت بورژوازی در آن وجود ندارد نمیتواند سرمایه داری و دیکتاتوری بورژوازی وجود داشته باشد... کسی که چنین ادعا کند یا سفیه است یا خود را به سفاکت زده است..."

(تکیه روی کلمات از ماست)

در صفحه ۴۱: "این یک تهریب عمیر مارکسیستی... از طبقه است... اگر مالکیت وسائل تولید و قدرت سیاسی از بورژوازی سلب شود طبقاً بورژوازی بعنوان یک طبقه اجتماعی زائل میشود. دیگر طبقه ای وجود ندارد که حاکم باشد یا تابع" (تکیه روی کلمات از ماست).

ولی روزنامه پرآورد ارگان روزیونیست های شوروی در شماره ۱۱ ژوئیه ۱۹۶۸ - بر حسب احتیاج روز - چنین می نویسد:

پیروز باد جنگ توده های خلق قهرمان ویتنام